

راهبردها و چالش‌های اقتصاد مقاومتی و ریاضتی

محمدحسین کریم، حسین امیری^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۱/۱۵

چکیده

در دنیایی که ارتباطات، پیچیدگی‌ها و سرعت تغییرات در حال افزایش است، نظام‌های اقتصادی و اجتماعی با مخاطرات بیرونی و خارج از اختیار روبه‌رو هستند که قابلیت پیش‌بینی پایینی دارند و دانش بشر در خصوص آثار و پیامدهای آنها اندک است. بهترین راه مقابله با این مخاطرات، ارتقای تاب‌آوری ملی و کاهش آسیب‌پذیری است. در این رویکرد، جامعه‌ای تاب‌آور است که بتواند مخاطرات موقت یا دایم را جذب کند و خود را با شرایط به‌سرعت در حال تغییر انطباق دهد، بدون اینکه ثبات و کارکرد خود را از دست بدهد. اقتصاد ایران علاوه بر اینکه با بحران‌های اقتصادی و طبیعی مواجه است، در معرض تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی قدرت‌های معارض ایران نیز قرار دارد ضمن اینکه رقابت با کشورهای منطقه و اقتصادهای بزرگ نیز در مقابل اقتصاد ایران است. از این‌رو، بازتعریف اقتصاد مقاومتی با توجه ساختار اقتصادی ایران و مفاهیم تاب‌آوری و ریسک‌پذیری ضروری به نظر می‌رسد. در این مقاله ضمن بررسی انواع الگوهای آسیب‌پذیری و تاب‌آوری به مقایسه مفاهیم اقتصاد مقاومتی و ریاضت اقتصادی پرداخته شده است. همچنین مهم‌ترین چالش‌ها و راهبردی اقتصادی مقاومتی از جمله تقویت زیرساخت‌های اقتصادی، تقویت زیرساخت‌های زیست‌محیطی، تقویت زیرساخت‌های حکمرانی، تقویت زیرساخت‌های اساسی و تقویت زیرساخت‌های اجتماعی پیشنهاد گردیده است.

واژگان کلیدی: اقتصاد مقاومتی، افزایش تاب‌آوری، کاهش آسیب‌پذیری، اقتصاد ریاضتی، مقاومت

اقتصادی.

طبقه‌بندی JEL: E32, H12

Email: karimsistani482@gmail.com

۱. عضو هیات علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه خوارزمی،

Email: Hosseinamiri@gmail.com

۲. عضو هیات علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول)،

مقدمه

هزینه‌های بالای بحران‌ها، نیاز به افزایش مقاومت اقتصادی را برجسته می‌کند؛ به ویژه ارزیابی سریع آسیب-پذیری‌های بالقوه می‌توانند منجر به کاهش هزینه‌های ناشی از بحران گردد. با توجه به اینکه با گذشت زمان، مفاهیم علمی رفته رفته دقیق‌تر و جزئی‌تر می‌شوند، لازم است با نگاهی کارشناسانه و با هدف اجرایی کردن اقتصاد مقاومتی، به بیان معنای دقیق‌تری از این مفهوم پرداخته شود به طوری که تمایز آن از مفاهیمی نظیر اقتصاد بومی، اقتصاد پویا و غیره مشخص شود. عدم توجه به این امر و مترادف فرض کردن اقتصاد مقاومتی با مفاهیم مزبور، سرنوشتی به جز فراموشی سپرده شدن این هدف مهم نخواهد داشت. البته ذکر این نکته لازم و ضروری است که مفاهیم مزبور، قطعاً با یکدیگر همپوشانی و تعامل خواهند داشت و کسی منکر این امر نیست اما خلاصه کلام این است که در راستای پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی، توجه به معنای دقیق آن امری ضروری است.

با مروری در ادبیات جهانی پیرامون تاب‌آوری ملی مشخص می‌شود که سه مؤلفه در تعریف این مفهوم وجود دارد که عبارتند از: ۱) سازگاری با تغییر موقعیت‌ها؛ ۲) تاب‌آوردن در مقابل شوک‌های ناگهانی و ۳) خودبازیابی تا حد یک تعادل مطلوب (خواه تعادل پیشین یا یک تعادل جدید) و در همان حال، حفظ تداوم عملیات خود. با بررسی این موارد، این نکته به ذهن متبادر می‌شود که تاب‌آوری اقتصاد، صرفاً مربوط به شوک‌های ناگهانی و مهار آنها است. استادان مدرسه عالی هاروارد، سه نوع مخاطره را از یکدیگر متمایز می‌سازند:

- مخاطره‌های قابل پیشگیری؛
- مخاطره‌های راهبردی؛
- مخاطرات بیرونی که ورای ظرفیت تأثیرگذاری یا کنترل فرد هستند.

پیشنهاد آنها این است که در دو مورد نخست مخاطره‌ها، می‌توان رویکردهای متعارف مدیریت ریسک را اتخاذ کرد؛ این یعنی تمرکز عمده بر فرهنگ سازمانی و التزام دقیق به رهنمودهای مقرراتی، فنی و نهادی. اما با عنایت به ماهیت برون‌زای مخاطرات بیرونی، رویکرد مرجع برای گونه سوم مخاطره‌ها، ایجاد تاب‌آوری است (غیاثوند، ۱۳۹۳).

اما به نظر می‌آید که اقتصاد مقاومتی چیزی فراتر از مهار تهدیدها باشد؛ زیرا این مفهوم در شرایط تحریم‌های اقتصادی علیه ایران مطرح شد و اقتصاد ایران به واسطه این تحریم‌ها، توانسته است برخی از اشکالات ساختاری خود را شناسایی کرده و تا حدی به درمان آنها بپردازد. رویکرد اغتنام فرصت‌ها، بدین معناست که در گام اول، از طریق مطالعات آینده پژوهانه، اقتضائات آتی اقتصادی شناسایی شود و در گام دوم زیرساخت‌های استفاده از فرصت‌ها مهیا شود؛ برای مثال در بحران مالی جهانی سال ۲۰۰۸، تأثیر اندکی از تبعات این بحران بر اقتصاد ایران تحمیل شد؛ از طرف دیگر، به واسطه این شوک، انقباض‌های شدید مالی در کشورهای غربی و جنوب خلیج فارس به وجود آمد؛ چنانچه رویکرد اغتنام فرصت در کشور حاکم بود، می‌توانستیم علاوه بر جذب سرمایه‌های



خارجی به داخل کشور، بسیاری از کالاهای مورد نیاز کشور را با هزینه کمتر، وارد کنیم. مثال دیگر در قضیه شوک‌های نوآوری تکنولوژیک مطرح است؛ فراهم آوردن تمهیدات لازم برای بهره‌گیری از این شوک‌ها، باعث افزایش بهره‌وری در تولید و کاهش هزینه‌ها خواهد شد. همچنین، حرکت به سمت تکنولوژی‌های سازگار با محیط زیست نیز، در راستای رویکرد اعتنا فرصت است. مثال‌هایی از این دست فراوان است. با بررسی مختصات اقتصادی کشور و رجوع به صاحب‌نظران و اندیشمندان، این نتیجه حاصل می‌شود که در کنار فرصت‌های زیادی که می‌بایست مغتنم شمرده شود، آسیب‌ها و تهدیدهایی نیز متصور هستند که اغماض نسبت به آنها، روند حرکت رو به جلوی اقتصاد کشور را دچار اختلال می‌کند. ذکر این نکته نیز ضروری به نظر می‌رسد که کشور ایران و به طور خاص، سیستم اقتصادی آن، در مقایسه با اقتصادهای توسعه‌یافته، آسیب‌پذیری‌های بیشتری دارد. همچنین شوک‌ها و تکان‌های برون‌زا نظیر تحریم و نوسانات قیمت حامل‌های انرژی، تأثیر زیادی بر اقتصاد و معیشت مردم برجای می‌گذارد؛ از این رو، بیره نخواهد بود، اگر بگوییم، پایه‌ریزی اقتصاد مقاومتی و پیگیری الزامات آن، به مراتب برای کشور ما مهم‌تر و حیاتی‌تر است. از این رو بازتعریف اقتصاد مقاومتی و تفاوت آن با ریاضت اقتصادی بسیار مهم و ضروری است. در این مقاله ضمن بررسی ادبیات اقتصاد مقاومتی به لحاظ مفهومی ادبیات مربوط به تاب‌آوری و آسیب‌پذیری اقتصادی بررسی می‌شود و تفاوت آن با برخی از واژگان نظیر مقاومت اقتصادی و ریاضت اقتصادی نیز مشخص خواهد شد. از این رو در بخش اول ادبیات و پیشینه تحقیق بررسی می‌شود. در بخش بعدی مبانی نظری آسیب‌پذیری و تاب‌آوری و انواع الگوهای آن بررسی می‌شود. سپس تفاوت بین اقتصاد مقاومتی و ریاضت اقتصاد بیان می‌شود و در انتها به نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات پرداخته می‌شود.

۱. ادبیات و پیشینه تحقیق

نگارش مقالات و گزارش‌های متعدد راجع به مقوله تاب‌آوری و مقاوم‌سازی اقتصاد در نهادها و سازمان‌های معتبر بین‌المللی، اولاً نشان از اهمیت این موضوع دارد و دوم این نکته را خاطر نشان می‌کند که دغدغه‌ها و مسائل اساسی سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی، به مرور زمان به دست فراموشی سپرده نمی‌شود؛ توضیح اینکه با بروز بحران بزرگ مالی در سال ۲۰۰۸ و تسری این بحران به اقتصادهای باز، توجه به مفهوم تاب‌آوری ملی به نحو فزاینده‌ای رشد کرد. اکنون نیز با گذشت چندین سال و رفع بسیاری از آثار آن بحران، همچنان مقالات و گزارش‌های معتبری راجع به این موضوع نگاشته می‌شود. برای مثال دپارتمان اقتصادی سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه مجموعه‌ای از شاخص‌های ارزیابی آسیب‌پذیری‌های اقتصادی را برای کشورهای عضو سازمان، بر اساس شواهد مربوط به بحران مالی بزرگ، استخراج و برشمرده است. در بیان علت نگارش گزارش فوق آمده است: هزینه بالای بحران‌ها از جمله بحران مالی اخیر، ضرورت مقاوم‌سازی اقتصاد و ارزیابی آسیب‌پذیری‌های



بالقوه را گوشزد می‌کند. برای این منظور، ۷۱ شاخص تاب‌آوری اقتصادی در بخش‌های مالی، غیرمالی، بازار دارایی و بخش خارجی برای بازه زمانی حدوداً ۲۵ ساله منتهی به ۲۰۱۵ مورد رصد و پایش قرار گرفته است.^۱ یکی دیگر از اقدامات سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه این است که از اواخر سال ۲۰۱۳ ارزیابی نظام‌مند و انتشار شاخص‌های آسیب‌پذیری اقتصاد کلان را در گزارش‌های سالیانه خود با عنوان چشم‌انداز اقتصادی^۲ گنجانده است.

بعد از بحران مالی ۲۰۰۸، بسیاری از کشورهای درگیر این بحران، مخصوصاً کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی، به ریشه‌یابی علل آن پرداختند و با ارائه گزارش‌های سالیانه با عناوین مختلف، روند پایداری و تاب‌آوری نظام مالی خود را مورد بررسی قرار می‌دهند. برای مثال در انگلستان و سوئد، گزارش‌هایی با عنوان پایداری نظام مالی^۳ به صورت سالیانه توسط بانک مرکزی کشورهای مزبور منتشر می‌شود که تکیه فراوانی بر مفهوم تاب‌آوری اقتصادی یا مقاوم‌سازی اقتصاد دارد. همچنین صندوق بین‌المللی پول گزارشی با عنوان پایداری مالی جهانی به صورت سالیانه منتشر می‌کند و پایداری نظام مالی جهانی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد.

پژوهش در حوزه مقاوم‌سازی اقتصاد، علاوه بر اقتصادهای توسعه‌یافته، در اقتصادهای نوظهور نیز محل توجه بوده است و انبوهی از گزارش‌ها راجع به میزان تاب‌آوری این اقتصادها نسبت به بروز بحران مالی احتمالی، نگاشته شده است. برای مثال مرکز توسعه جهانی^۴ گزارشی را با عنوان "تاب‌آوری بازارهای نوظهور نسبت به شوک‌های خارجی: امروز در مقابل بحران مالی اخیر" منتشر کرده است که در آن با طراحی و اندازه‌گیری شاخص‌های تاب‌آوری اقتصادی برای ۲۱ اقتصاد نوظهور، این نتیجه حاصل شده است که کره و فیلیپین، دارای پایدارترین اقتصاد نسبت به بحران‌های مالی هستند.

بریگولیو^۵ (۲۰۰۴) مفهومی به نام پارادوکس سنگاپور مطرح می‌کند؛ این مفهوم بیان می‌دارد که کشوری مثل سنگاپور درحالی که مجاری آسیب‌پذیری بسیار زیادی دارد، باز هم در فکر افزایش درآمد سرانه بوده و توجهی نسبت به مقاوم‌سازی اقتصاد نمی‌کند. بریگولیو از این بحث نتیجه می‌گیرد که کشورهای دارای آسیب‌پذیری‌های دائمی و ذاتی، باید توجه بیشتری به مفهوم مقاوم‌سازی کنند و در معاوضه بین رشد حداکثری و مقاوم‌سازی، حد بهینه را برگزینند. به زعم نویسنده، مهم‌ترین مجاری آسیب‌پذیری هر کشور عبارتند از: درجه بالای باز بودن اقتصاد^۶ به طوری که کشور نسبت به شرایط اقتصاد جهانی کاملاً تأثیرپذیر و تحت خطر است،

^۱ OECD Vulnerability Indicators

^۲ Economic Outlook (EO)

^۳ Financial Stability

^۴ Center for Global Development

^۵ Briguglio

6. A high degree of economic openness



وابستگی به صادرات محدود و عدم متنوع‌سازی، وابستگی به واردات کالاهای استراتژیک از جمله انرژی و تولیدات صنعتی که به دلیل عدم امکان اجرایی‌سازی سیاست‌های جانشینی واردات تشدید می‌شود، انزوای اقتصادی، وابستگی به محیط پیرامونی و دور بودن از بازارهای جهانی که منجر به هزینه بالای حمل و نقل و هزینه نهایی می‌شود. بنیاد اقتصاد جدید^۱ به عنوان یک اندیشکده مستقل انگلیسی، با توجه به درس‌های بحران مالی سال ۲۰۰۸، بحث‌های زیادی را راجع به مقاوم‌سازی اقتصاد در گزارش سال ۲۰۱۵ خود مطرح کرده است. این گزارش با ارائه شاخص‌های تاب‌آوری اقتصادی و اندازه‌گیری این شاخص‌ها برای اقتصادهای مختلف، به این نتیجه رسیده است که اقتصاد انگلستان نسبت به اقتصادهای پیش‌رو، در شاخص‌های تاب‌آوری اقتصادی ضعیف‌تر است.

شاهد مثال دیگر در این بحث راجع به کمیته بال (بازل) است. این کمیته عالی‌ترین نهاد بین‌المللی درگیر نظارت بانکی است. از مهم‌ترین اقدامات کمیته بال تهیه و انتشار اصول پایه در نظارت بانکی کارآ و مؤثر و همچنین مقررات مربوط به کفایت سرمایه است. در گزارشات منتشر شده توسط این کمیته، اشاره‌های متعددی به بحث مقاوم‌سازی نظام بانکی شده است. بحران مالی سال ۲۰۰۸، درس‌های زیادی برای نظام بانکی داشته است. به اذعان این سند، نظام بانکی مقاوم و قوی، زیربنای رشد اقتصادی پایدار است.

رز و کراسمن^۲ (۲۰۱۳) در مطالعه خود با اشاره به شاخص‌های کلیدی در اقتصاد، شاخص کلی تاب‌آوری را ایجاد کرده‌اند. این شاخص قابلیت ارزیابی میزان تاب‌آوری در دوران رکود و رونق اقتصادی را به‌ویژه در کوتاه‌مدت دارا است.

باتیس و همکاران^۳ (۲۰۱۴) با بکارگیری الگوریتم «کمترین بیشینه مشترک» تارجان^۴ مجموعه‌ای از متغیرهای سنجش تاب‌آوری و آسیب‌پذیری اقتصادی را شناسایی و با استفاده از شاخص ترکیبی ساده، تاب‌آوری و آسیب‌پذیری اقتصادی کشور سنگاپور را برآورد کردند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که تاب‌آوری کشور سنگاپور بیشتر از آسیب‌پذیری آن است. تاب‌آوری سنگاپور ناشی از حکمرانی خوب دولت و مزایای ادغام در بازارهای جهانی است. همچنین آسیب‌پذیری سنگاپور ناشی از مؤلفه‌های زیست محیطی، به دلیل ویژگی‌های جغرافیایی و تغییرات آب و هوایی است.

1. New Economics Foundation (NEF)
2. Rose and Krausmann
3. Bates et al
4. The smallest common background
5. Tarjan



انگیون و باتیس^۱(۲۰۱۵) با استفاده از شاخص ترکیبی و به کارگیری ۴۳ متغیر، خالص تاب‌آوری-آسیب-پذیری ۹۵ کشور را برای دوره ۲۰۰۹-۲۰۰۰ محاسبه کردند. نتایج این بررسی نشان داد که کشورهای توسعه‌یافته دارای تاب‌آوری بالا و کشورهای کمتر توسعه‌یافته دارای آسیب‌پذیری بالا هستند.

هدف از ارائه شواهد فوق، این است که بدانیم، کشورهای آسیب‌دیده از بحران‌های مالی (نظیر بحران مالی ۲۰۰۸)، بحران‌های طبیعی (نظیر طوفان‌های مخرب در ایالات متحده آمریکا) و بحران‌های تروریستی (نظیر حادثه ۱۱ سپتامبر) مسئله خود را در آسیب‌پذیری اقتصادی شناخته‌اند و با اتخاذ تدابیری نظیر تدوین شاخص‌های مدون و کاربردی و پایش مستمر و دقیق آنها توسط نهادهای معتبر بین‌المللی، سعی در حداقل‌سازی و حتی‌المقدور رفع آن نقاط آسیب‌پذیر دارند.

اقتصاد ایران نیز از سال ۱۳۸۹، در معرض دور جدیدی از شوک‌های تحریمی برون‌زا، آگاهانه و هوشمند به نام تحریم قرار گرفته است؛ بر مبنای استدلال منطقی و براساس اظهارات مقامات تحریم‌کننده و همچنین اقتصاددانان داخلی، عمدتاً نقاط آسیب‌پذیر اقتصاد ایران تحت حمله تحریم‌ها قرار گرفته‌اند؛ طبق این استدلال و براساس حقایق آشکارشده، مقاوم‌سازی اقتصاد ایران و رفع آسیب‌پذیری‌ها در مقام نظر، آسان‌تر شده و در این میان، داشتن عزم و اراده جدی، شرط لازم و کافی است. با توجه به مقدمه فوق در ادامه به بررسی مفاهیم تاب‌آوری، آسیب‌پذیری، مقاومت اقتصادی و اقتصاد ریاضتی پرداخته می‌شود و در انتها ارتباط بین اقتصاد مقاومتی و واژگان فوق بررسی می‌شود.

۲. مبانی نظری

۲-۱. آسیب‌پذیری اقتصادی

واژه آسیب‌پذیری برگرفته از واژه لاتین Vulnerare (به معنای مجروح کردن) است که به معنای در معرض آسیب قرار گرفتن و تزلزل و ناپایداری است (Merriam Webster dictionary). این مفهوم از زمانی در ادبیات اقتصادی رواج یافت که مطالعاتی روی برخی از کشورهای کوچک با قدرت اقتصادی پایین و ریسک زیاد (به لحاظ عملکرد اقتصادی) انجام شد.

بخش قابل توجهی از مطالعات آسیب‌پذیری اقتصادی با استفاده از مشاهدات تجربی اثبات می‌نماید که معمولاً کشورهای کوچک و به‌ویژه جزیره‌ای، به علت درجه‌ی بالای آزادی اقتصادی و تمرکز بیش از حد اقتصاد بر روی صادرات، نسبت به سایر کشورها، بیشتر در معرض آسیب‌پذیری اقتصادی هستند. همین موضوع باعث می‌شود تا شوک‌های خارجی بر اقتصاد این کشورها اثرگذاری بالایی داشته باشند و این حقیقت به یک عدم مزیت بزرگ



برای این کشورها بدل شود؛ زیرا ریسک را در فرآیندهای رشد این اقتصادها بالا می‌برد (بریگولیو و دیگران، ۲۰۰۸). با این حال مشاهده می‌شود بسیاری از کشورهای کوچک علی‌رغم اینکه در معرض بسیاری از شوک‌های بیرونی اقتصاد قرار دارند؛ لیکن از سطح بالایی از تولید ناخالص داخلی سرانه برخوردارند. بنابراین وجود شوک‌های برونزای اقتصادی که در اغلب موارد خارج از کنترل کشورها است، موجب می‌گردد تا کشورهایی که درجه آسیب‌پذیری آنان بالا است، اثرپذیری بیشتری از شوک‌ها داشته و توانایی کمتری در کاهش آثار منفی شوک‌های مزبور داشته باشند. در مقابل، کشورهای برخوردار از سطح بالای تاب‌آوری در مواجهه با شوک‌های برونزای اقتصادی، قادر به ترمیم و بازسازی اقتصاد خویش پس از وقوع شوک‌ها هستند.

بنابراین آسیب‌پذیری اقتصادی بیانگر ویژگی‌های ذاتی، پایدار یا شبه پایدار یک کشور است که آن کشور را در معرض درجه بالایی از شوک‌های اقتصادی خارج از کنترل قرار می‌دهد (بریگولیو و گالنا، ۲۰۰۳). در شرایط معمولی، ممکن است اقتصاد کشورهای مختلف، از نظر متغیرهای کلان اقتصادی همچون نرخ رشد، نرخ تورم، نرخ بیکاری و غیره در وضعیت مطلوبی قرار داشته باشند؛ لیکن همزمان در مواجهه با شوک‌ها و نوسانات بیرونی و غیر قابل کنترل همچون تحولات اقلیمی، تحولات زیست محیطی و یا نوسانات ناشی از مشکلات ساختار اقتصاد جهانی دچار شکنندگی بالایی بوده و اصطلاحاً آسیب‌پذیرتر باشند.

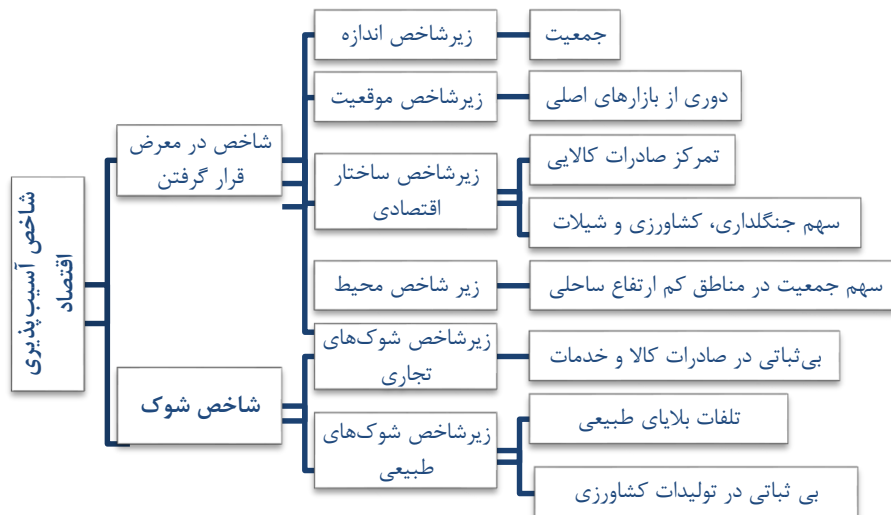
اهمیت این موضوع، منجر به آن شده تا تلاش‌های قابل توجهی از سوی برخی محققان و سازمان‌های بین‌المللی به منظور معرفی شاخص‌های کارآمد آسیب‌پذیری و تاب‌آوری صورت پذیرد که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود.

۱-۱-۲. شاخص آسیب‌پذیری اقتصادی سازمان ملل

شاخص آسیب‌پذیری اقتصادی سازمان ملل، آسیب‌پذیری ساختاری کشورها را نسبت به شوک‌های برونزای اقتصادی و محیطی اندازه‌گیری می‌کند. هر چه اندازه این شاخص برای یک کشور کمتر باشد، بهتر بوده و به این معنی است که آن کشور سطح آسیب‌پذیری کمتری را داراست. شاخص مزبور از هشت مؤلفه تشکیل شده که هر یک در زیرشاخص‌های مختلفی قرار دارند و زیرشاخص‌های مزبور نیز در دو شاخص اصلی «در معرض (شوک) قرار گرفتن» (هر چه بیشتر باشد، آسیب‌پذیری کمتر است) و «اندازه شوک» (هر چه کمتر باشد، آسیب‌پذیری کمتر است) جای دارند که همگی با هم تشکیل شاخص آسیب‌پذیری اقتصادی را می‌دهند.



نمودار-۱. شاخص آسیب‌پذیری سازمان ملل



۲-۱-۲. شاخص آسیب‌پذیری بریگوگلیو و همکاران (۲۰۰۸)

بریگوگلیو و همکاران (۲۰۰۸) در مطالعه خود نشان دادند که تأثیرپذیری یک کشور از شوک‌های بیرونی اقتصاد از برخی ویژگی‌های اقتصاد آن کشور منشأ می‌گیرد. برخی از این ویژگی‌ها عبارتند از: «درجه باز بودن اقتصاد»، «میزان وابستگی اقتصاد به درآمدهای صادراتی ناشی از چند محصول خاص» و نیز «وابستگی به واردات کالاهای استراتژیک» که شاخص آسیب‌پذیری کل از میانگین ساده مؤلفه‌های مزبور محاسبه گردیده است.



جدول-۱. مؤلفه‌های شاخص آسیب‌پذیری بریگوگلیو و همکاران (۲۰۰۸)

مؤلفه‌های آسیب‌پذیری	توضیحات
درجه بازبودن اقتصاد	درجه بالای باز بودن اقتصاد موجب می‌شود که یک کشور از شرایط بیرونی اقتصاد که بر آنها هیچ کنترل مستقیمی ندارد تأثیرپذیری بالایی داشته باشد.
میزان وابستگی اقتصاد به درآمدهای صادراتی ناشی از چند محصول خاص	وابستگی یک کشور به صادرات طیف محدودی از کالاها و خدمات، ریسک فقدان تنوع صادراتی را افزایش داده و موجب افزایش آسیب‌پذیری اقتصادی ناشی از باز بودن اقتصاد می‌گردد.
وابستگی به واردات کالاهای استراتژیک	ممکن است واردات کالاهای استراتژیک به دلیل هزینه‌های بالای واردات و یا محدودیت‌های دسترسی اعمال شده از سوی شرکای خارجی قطع شود و آنگاه کشور وارد کننده با مشکلات عدیده‌ای که خارج از کنترل اوست روبرو گردد.

۲-۱-۳. شاخص‌های آسیب‌پذیری کشورهای OECD

شاخص‌های آسیب‌پذیری که توسط الیور و تورنر^۱ (۲۰۱۵) بیان شده است در شش دسته طبقه‌بندی می‌شوند:

- ۱- عدم تعادل‌های بخش مالی
 - ۲- عدم تعادل‌های بخش غیرمالی خصوصی
 - ۳- عدم تعادل‌های بازار دارایی
 - ۴- عدم تعادل‌های بخش عمومی
 - ۵- عدم تعادل‌های بخش خارجی
 - ۶- اثرات سرریز و سرایت بین‌المللی و ریسک‌های جهانی
- هر یک از بخش‌های فوق شامل یک سری زیرشاخص و متغیر هستند که در جدول (۲) آورده شده است.^۲

^۱ Ollivaud and Turner

^۲ Röhn et al (2015)



جدول-۲. مولفه‌های شاخص آسیب‌پذیری کشورهای OECD

شاخص‌های اصلی	زیرشاخص‌ها	متغیرها
عدم تعادل‌های بخش مالی	اهرم و ریسک‌پذیری	بدهی‌های مالی ناخالص بخش مالی
		نسبت اهرمی
		نسبت سرمایه
		بانکداری سایه
		بازدهی سرمایه
		بازدهی دارایی
		استانداردهای وام
	نقدینگی و عدم انطباق ارز	نسبت نقدینگی
		نسبت وام به سپرده
		سپرده‌های خارجی
عدم تطابق ارز خارجی		
همبستگی و افشای مشترک	وام‌های مسکن	
	وام تجاری املاک و مستغلات	
	اوراق قرضه داخلی	
	کل اعتبارات خصوصی	
	اعتبارات بانکی خصوصی	
عدم تعادل‌های بخش غیرمالی خصوصی	بانک	بدهی خارجی
		اعتبار خانوار
		تعهدات و دیون مالی ناخالص خانوار
	خانوارها	هزینه‌های خدمات بدهی
		تعهدات و دیون ارزی خارجی
		اعتبار شرکتی
		تعهدات و دیون مالی ناخالص شرکت‌های غیرمالی
	شرکت‌های غیرمالی	تعهدات ارزی خارجی





عدم تعادل‌های بازار	بازارهای مسکن	قیمت‌های واقعی مسکن
دارایی		نسبت قیمت به درآمد قابل تصرف
		نسبت قیمت به اجاره
		سرمایه‌گذاری مسکونی به صورت درصدی از GDP
		اشتغال در ساخت و ساز
	بازار سهام	قیمت واقعی سهام
		نسبت قیمت به عایدی تعدیل شده به صورت فصلی
عدم تعادل‌های بخش عمومی	توانایی پرداخت بدهی اساسی	توازن اولیه بودجه
		توازن بودجه عمومی دولت
		بدهی عمومی دولت
	توانایی پرداخت بدهی مالی بلندمدت	مخارج آتی دولت بر روی حقوق بازنشستگی
		مخارج آتی دولت بر روی سلامت و مراقبت‌های بلندمدت
		نسبت حمایت پیش‌بینی شده در پیری
	ترکیب بدهی دولت	نیازهای تأمین مالی ناخالص
		بدهی کوتاه‌مدت
		متوسط وزنی سررسید بدهی عمومی دولت
		بدهی بر حسب پول خارجی
		بدهی نگهداری شده بوسیله خارجی‌ان
		بدهی کوتاه‌مدت خارجی دولت
	ریسک‌های مالی و ناطمینانی‌ها	تعهدات غیرمنتظره و احتمالی دولت
عدم تعادل‌های بخش خارجی	بخش خارجی	توازن حساب سرمایه
		بدهی خارجی
		بدهی بانکی خارجی
		بدهی کوتاه‌مدت بانکی خارجی
		تعهدات و دیون FDI
		عدم تطابق ارز خارجی



منابع رسمی ارز خارجی		
نرخ ارز موثر واقعی		
عملکرد صادرات		
باز بودن درجه تجاری	عدم تعادل‌های خارجی	اثرات سرریز و سرایت بین‌المللی و ریسک‌های جهانی
باز بودن درجه مالی	عدم تعادل‌های منطقه‌ای و جهانی	
نقدینگی		
کل اعتبارات		
اعتبارات بانکی		
ریسک‌گریزی		
قیمت‌دارایی‌ها		
قیمت سهام		
قیمت خانه		

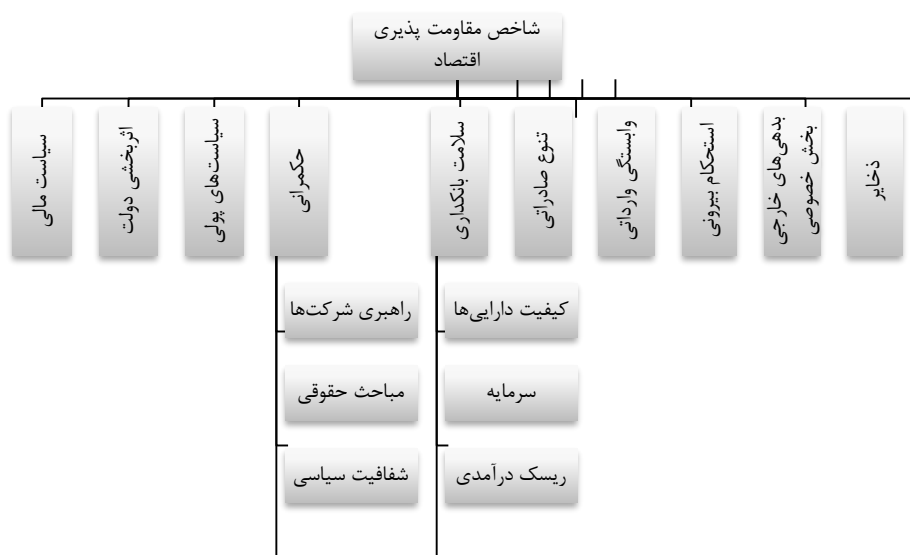
۲-۲. شاخص‌های تاب‌آوری

تاب‌آوری معادل واژه انگلیسی Resilience است. در فرهنگ لغت، این کلمه، خاصیت کشسانی، بازگشت-پذیری و ارتجاعی معنا شده است. این واژه را قابلیت ارتجاع، فنریت، جهندگی، کشسانی، برگشت‌پذیری، انعطاف-پذیری و ترمیم‌پذیری نیز ترجمه کرده‌اند. برای اندازه‌گیری میزان تاب‌آوری در مقابل مخاطرات برون‌زا، کشور به عنوان یک سیستم در نظر گرفته می‌شود که دربرگیرنده زیرسیستم‌ها است. چندین روش برای سنجش تاب‌آوری این زیرسیستم‌ها به ویژه در جایی که با اقتصاد یا زیست بوم اقتصادی مرتبط می‌شوند، موجود است. ولی آنچه یک سیستم اقتصادی را تاب‌آور می‌سازد، متفاوت از آن چیزی است که به یک سیستم زیست‌محیطی چنین قابلیت را می‌دهد- چه از نظر تهدیدات و مخاطره‌ها و چه از لحاظ ارتباط‌های درونی با دیگر سیستم‌ها. ، از این رو، اصطلاح تاب‌آوری ممکن است به پدیده‌های رفتاری در علوم مهندسی، فیزیولوژی، محیط زیست، رفتار آدمی، علوم اقتصادی و ... در دامنه وسیعی از موقعیت‌ها اطلاق شود (آگایی و ویلسون، ۲۰۰۵)؛ لیکن در اقتصاد، تاب‌آوری به توانایی یا ظرفیت یک کشور در مقابله با شوک‌های معکوس اطلاق می‌گردد (باتیس و همکاران، ۲۰۱۴). شاخص‌های مختلفی به منظور اندازه‌گیری تاب‌آوری وجود دارد که در این جا چهار مورد از مهمترین شاخص‌ها بررسی می‌شود.

۲-۲-۱. شاخص تاب‌آوری بورمن

بورمن و همکاران^۱ (۲۰۱۳) به منظور ساخت شاخص تاب‌آوری ۵۲ متغیر را در ۱۰ زیرشاخص با یکدیگر ترکیب نمودند. در مطالعه آنان، شاخص مقاومت‌پذیری اقتصادی علاوه بر عناصر سلامت مالی و سیاست‌های اقتصاد کلان، عناصر ساختاری و نهادی نیز لحاظ گردید و با ترکیب این دو گروه از عناصر دیدی ترکیبی از تاب‌آوری ارائه دادند. در سیستم نمره دهی در مطالعه بورمن و همکاران، عدد ۱۰۰ نشان دهنده میانگین وزنی تمام مشاهدات است و عددهای زیر (بالای) ۱۰۰ برای یک کشور این معنا را می‌دهد که این کشور بدتر (بالاتر) نسبت به مقدار جهانی است.

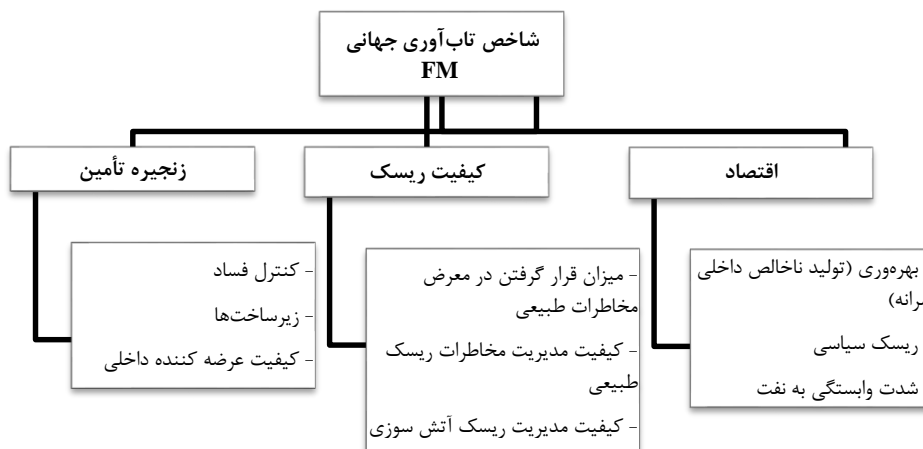
نمودار ۲-۲. متغیرها و زیرشاخص‌های تاب‌آوری بورمن و همکاران



۲-۲-۲. شاخص تاب‌آوری FM

مؤسسه Oxford Metrica مؤسسه‌ای تحلیلی و مشورتی غیر وابسته بوده که به انجام تحقیقاتی در زمینه ریسک و عملکرد مالی می‌پردازد. مؤسسه مذکور، هر ساله شاخص تاب‌آوری جهانی FM را منتشر می‌سازد. شاخص مزبور، به ارزیابی تاب‌آوری کسب و کار کشورها در مقابله با اختلال در زنجیره تأمین اختصاص دارد. شاخص تاب‌آوری FM، مقیاسی ساده از تاب‌آوری است و در ترکیب با دیگر اطلاعات، راهنمایی برای ریسک زنجیره تأمین به شمار می‌رود که در نمودار (۳)، ساختار این شاخص آورده شده است (گزارش سال ۲۰۱۴ مؤسسه Oxford Metrica).

نمودار-۳. چارچوب شاخص تاب‌آوری جهانی FM



۲-۲-۳. شاخص تاب‌آوری بریگوگلیو و دیگران (۲۰۰۸)

بریگوگلیو و دیگران در مطالعه‌ای تحت عنوان «معرفی و اندازه‌گیری تاب‌آوری اقتصادی» به معرفی و اندازه‌گیری شاخص تاب‌آوری اقتصادی برای برخی از کشورها نمودند. آنها در مطالعه مذکور، اجزای شاخص تاب‌آوری اقتصادی پیشنهادی خود را «ثبات اقتصاد کلان»، «کارایی بازار اقتصاد خرد»، «حکمرانی خوب» و «توسعه اجتماعی» عنوان نمودند.



جدول ۳-۱. اجزای شاخص تاب‌آوری پذیری بریگوگلیو و همکاران (۲۰۰۸)

زیرشاخص‌های تاب‌آوری	متغیرهای تشکیل دهنده
ثبات اقتصاد کلان	- نسبت بودجه مالی به تولید ناخالص داخلی - مجموع نرخ تورم و نرخ بیکاری - نسبت بدهی خارجی به تولید ناخالص داخلی
کارایی بازار اقتصاد خرد ^۱	- تسلط بخش خصوصی بر صنعت بانکداری، - اندازه‌ای که بانک‌های خارجی اجازه رقابت در بازار را دارند، - اعتبار عرضه شده برای بخش خصوصی - کنترل نرخ بهره از طریق بازار اعتبار
حکمرانی خوب	- استقلال قضایی - بی طرفی دادگاه‌ها - حمایت از حقوق مالکیت فکری - دخالت نظامی در قوانین - سیستم سیاسی و یکپارچگی سیستم قضایی
توسعه اجتماعی	- شاخص سلامت و آموزش مورد استفاده در محاسبه شاخص توسعه انسانی

۲-۲-۴. شاخص تاب‌آوری سازمان ملل و بانک توسعه آسیایی

سازمان ملل و بانک توسعه آسیایی^۲ (۲۰۱۲) به انتشار گزارشی با عنوان «رشد سبز، منابع و تاب‌آوری» پرداختند. در این گزارش، فاکتورهای اساسی سازنده تاب‌آوری به صورت زیر تعریف شدند: استحکام^۳ توانایی یک سیستم در تاب‌آوردن در برابر اختلالات بیرونی بدون آنکه در عملکرد آن، زیان قابل توجهی مشاهده شود، استحکام نامیده می‌شود که عوامل مؤثر بر آن عبارتند از:

- دسترسی به موجودی سرمایه (همه انواع آن)؛
- توسعه زیرساخت‌ها (به عنوان مثال سیستم توزیع انرژی)؛
- توزیع برابر درآمد؛

۱. بریگوگلیو و همکاران در مطالعه سال ۲۰۰۶ تحت عنوان «مفهوم سازی و اندازه‌گیری تاب‌آوری اقتصادی» کارایی بازار اقتصاد خرد را تابع اندازه دولت و آزادی تجارت بین الملل عنوان کرده بودند.

^۲ United Nations and Asian Development Bank

^۳ Robustness



- طبیعت و تنوع روابط میان اقتصاد، اجتماع و سیستم‌های زیست محیطی.

افزونگی^۱: به میزانی که سیستم‌های گوناگون می‌توانند نیازهای اساسی مشابه را به منظور دستیابی به اهداف مشابه همپوشانی نمایند، افزونگی گفته می‌شود. در واقع، در صورتی که زیرساخت‌ها و نهادهای حساس یک کشور طوری طراحی شوند که برای دستیابی به اهداف و مقاصد؛ برخوردار از طیفی از روش‌ها، سیاست‌ها، راهبردها و خدمات همپوشان باشند، احتمال فروپاشی کشور در تنش و یا از کار افتادن برخی زیرساخت‌ها کاهش می‌یابد. از جمله عوامل مؤثر بر افزونگی عبارتند از:

- تنوع ژنتیکی و زیست محیطی
- ناهمگونی طبیعی^۲
- تنوع و افزونگی نهادها

پرتدبیری^۳: توانایی تشخیص، اولویت بندی و اتخاذ راه حل به منظور حل مشکلات، پرتدبیری نامیده می‌شود، در واقع، پرتدبیری به معنای سازگاری با بحران، انعطاف در پاسخ دهی و در صورت امکان، تبدیل موقعیت‌های منفی به موقعیت‌های مثبت است. در حالت کلی، پرتدبیری به معنای آن است که چنانچه نهادها و سیستم حکمرانی به چالش کشیده شوند و در عملکرد آنها اختلال ایجاد شود، چنانچه صنایع و اجتماعات از ظرفیت بالای خود سازماندهی برخوردار باشند، قادر خواهند بود به صورت خود جوش، واکنش نشان داده و با چالش‌ها و نااطمینانی‌های به وجود آمده مقابله نمایند. مهترین عوامل مؤثر بر پرتدبیری عبارت‌اند از:

- وجود نهادهایی که قدرت را میان گروه‌های ذینفع متعادل سازند.
- وجود نهادها و شبکه‌هایی که به آموزش و ذخیره دانش و تجربیات بپردازند.
- وجود نهادهایی که انعطاف پذیری در حل مشکلات را ایجاد نمایند.
- فرصت‌های خودسنجی و تغییر و مدیریت نهادها و عملکرد.

۲-۳. ریاضت اقتصادی

اقتصاد مقاومتی امری پویا، فعال، درازمدت و هجومی است اما ریاضت اقتصادی یا مقاومت اقتصادی امری کوتاه‌مدت، انفعالی، بخشی و مربوط به شرایط بحرانی جامعه است. ریاضت اقتصادی را می‌توان به مثابه بن بست اقتصادی در نظر گرفت، حال این که اقتصاد مقاومتی این گونه نیست. اقتصاد مقاومتی یک نوع ایستادن مقابل هجوم اقتصادی دشمن خارجی است که می‌خواهد از ما امتیاز بگیرد و یا ما را پای میز مذاکره بنشانند، درحالی



^۱ Redundancy

^۲ landscape

^۳ resourcefulness

که آن چیزی که غربی‌ها با اسم ریاضت اقتصادی با آن مواجه شدند، در واقع به بن بست رسیدن اقتصادشان و قرار گرفتن در بحران مالی به جهت ناکارآمدی طراحی‌های اقتصادی است. سبک مدیریت یا سبک زندگی در راستای اقتصاد مقاومتی، مفهومی است که وقتی شهروند اسلامی می‌بیند جامعه اسلامی در خطر است حاضر به فداکاری شود و فداکاری یک مفهوم ارزشی است در مقابل ریاضت که اجبار را دیکته می‌کند. صاحب نظران و پژوهشگران خارجی نیز منظور از اقتصاد مقاومتی را همان ریاضت اقتصادی می‌دانند ولی در حقیقت مراد این است که در اقتصاد حداکثر استفاده از منابع و امکانات انجام بگیرد یعنی از امکانات اقتصادی کشور اعم از سرمایه، نیروی انسانی و منابع به بهترین وجه استفاده شود.

اقتصاد مقاومتی به نظام اقتصادی با خصومت ویژه مقاومتی بودن اطلاق می‌شود. کار ویژه این نظام اقتصادی آن است که در شرایط وجود چالش بتواند اهداف اساسی خود را محقق سازد. لذا منظور از مقاومتی بودن، ایستادگی در برابر طوفان‌های بیرونی و ثمردهی در شرایط نامساعد است. این در حالی است که اقتصاد ریاضتی سرنوشت محتوم آن اقتصادی است که با وجود داشتن آرمان مغایر با نظام سلطه، نتوانسته باشد ساز و کار لازم را برای پاسخ به چالش‌ها فراهم سازد. این همان سرنوشت بدی است که باید از آن اجتناب کرد، زیرا در شرایط اقتصاد ریاضتی هزینه‌های زیادی به مردم و جامعه تحمیل می‌شود که ممکن است مسائل امنیتی مهمی را نیز بر اثر پایین آمدن سطح رفاه عمومی برای کشور ایجاد کند. لذا، اقتصاد مقاومتی الگویی برای احتراز از دو سرنوشت مطلوب، یعنی وابستگی و اقتصاد ریاضتی است. اقتصاد ریاضتی ناظر به طرح‌هایی در حوزه اقتصاد است که نهادهای دولتی برای کاهش هزینه و برون رفت از کسری بودجه، خدمات عمومی نظیر خدمات تامین اجتماعی، بهداشتی، تفریحی و... کاهش می‌یابد. در عین حال، افزایش مالیات‌ها، قرض‌های بین‌المللی، وابستگی به اقتصاد بین‌الملل، فشار اقتصادی به مردم و غیره از شاخصه‌های ریاضت اقتصادی است که کاملاً با اقتصاد مقاومتی متمایز است.

۴-۲. تفاوت بین اقتصاد مقاومتی و ریاضت اقتصادی

با توجه به توضیحاتی که در بالا بیان شد می‌توان گفت که در اقتصاد ریاضتی همه ظرفیت‌های تولید به کار گرفته شده است و منابع تولید بالقوه جدیدی وجود ندارد اما در اقتصاد مقاومتی تمام ظرفیت‌های تولید در کشور استفاده نشده است و نهادهای تولید بالقوه زیادی برای دستیابی به اهداف توسعه و افزایش اشتغال و محصول ملی وجود دارد.

در همین راستا برخی از مهمترین تفاوت‌های اقتصاد ریاضتی و مقاومتی به صورت زیر است:^۱

- در اقتصاد مقاومتی، برخورد فعال است، ولی در اقتصاد ریاضتی انفعالی است؛

1. Krim and DaneshJafari (2017)



- دولت در اقتصاد مقاومتی با تکیه بر توانایی داخلی، بدون استقراض خارجی کار می‌کند، ولی در اقتصاد ریاضتی، دولت وام‌های خارجی دریافت می‌کند و از آن طرف مالیات زیاد بر جامعه تحمیل می‌شود و مردم قدرت خرید ندارند یا قدرت خرید کم می‌شود؛

- در اقتصاد ریاضتی باید سختی را تحمل کنند، ولی در اقتصاد مقاومتی به دنبال چیزهای باارزشی هستند که باید حفظ شود که از آن جمله می‌توان به کشور، انقلاب، استقلال، دین و غیره اشاره نمود و از حفظ آن احساس لذت می‌کنند.

- اقتصاد ریاضتی عمدتاً دستوری و دولتی است و فشار آن بر روی دوش مردم خواهد بود، اما اقتصاد مقاومتی مردمی و غیردولتی خواهد بود ولی مسئولیت، برنامه‌ریزی و ایجاد تسهیلات لازم بر اساس اصل ۴۴ قانون اساسی بر عهده دولت است.

برخی از محققان اقتصادی اعتقاد دارند که ریاضت اقتصادی برای رفع مشکلات اقتصادی چندان کارآیی ندارد و می‌تواند بر شدت بحران‌های مالی بیفزاید و جامعه به دلیل تدابیر غیرصحیح مسئولان دولتی، تحت فشار بیشتری قرار گیرند.

اقتصاد مقاومتی برخلاف اقتصاد ریاضتی که کوتاه مدت است، یک سیاست اقتصادی بلندمدت است و در عین حال صرفاً یک مسکن اقتصادی نیست بلکه راه‌حل کلیدی و اساسی رفع مشکلات اقتصادی کشور است! در عین حال، کشورهای نظیر اسپانیا، یونان، فرانسه، استرالیا و سایر کشورهای اروپایی که وارد ریاضت اقتصادی می‌شوند از درآمدهای ملی برای برون رفت از بدهی‌های مالی خارجی استفاده می‌شود و به مردم فشار زیادی وارد می‌شود و از ارائه خدمات درمانی، بهداشتی، اجتماعی و غیره کاسته می‌شود و این موضوع در حالی است که در شرایط اقتصاد مقاومتی، بر فشار مالی و اقتصادی وارد نشود و براساس رعایت عدالت اجتماعی از آسیب‌های اقتصادی بکاهند.

۳. نسبت اقتصاد مقاومتی با آسیب‌پذیری و تاب‌آوری

نقد و بررسی تعابیر گوناگون از اقتصاد مقاومتی روشن ساخت که اقتصاد مقاومتی یک راهبرد اقتصادی برای مقاوم‌سازی به معنای فعالانه آن است. در این تعبیر، منظور از اقتصاد مقاومتی صرفاً مقاوم‌سازی نقاط آسیب‌پذیر اقتصادی و با تأکید بر جنگ اقتصادی و یا مقابله با تهدیدهای خارجی نیست. اقتصاد مقاومتی به این معنا، دارای دو جنبه است: کاهش آسیب‌پذیری و افزایش تاب‌آوری.

برنامه‌ریزی در جهت کاهش آسیب‌پذیری، که علاوه بر نقش اصیل خود، با تأثیر بر تاب‌آوری و افزایش آن شکل فعالانه‌تری به خود می‌گیرد و همچنین تلاش برای افزایش تاب‌آوری اقتصاد کشور می‌تواند منجر به



اقتصادی مقاوم در کشور شود. نمونه بارز برنامه‌ریزی برای کاهش آسیب‌پذیری می‌تواند در سیاست‌گذاری‌های ناظر بر کاهش وابستگی بودجه عمومی و مخارج دولت به درآمدهای نفتی تبلور یابد. تاب‌آوری به عنوان جنبه دیگر اقتصاد مقاومتی به صورت قابلیت‌های اقتصاد در شناسایی، ایجاد ظرفیت‌های بهره‌برداری و خلق راهبردهای بهره‌برداری متبلور می‌شود. در واقع، تاب‌آوری قابلیت نظام اقتصادی در مواجهه با اختلالات و تغییرات منفی است، به گونه‌ای که اولاً، بتواند آنها را پیش‌بینی نماید. دوم، ظرفیت لازم برای استفاده از جنبه‌های مثبت آنها را داشته باشد و در صورت نداشتن ایجاد نماید. سوم، راهبردهایی خلق کند که بتواند حداکثر بهره‌مندی از تغییرات را ببرد. با چنین قابلیت‌هایی، نظام اقتصادی نظامی تاب‌آور خواهد بود و خواهد توانست در صورت مواجهه با شوک‌های منفی، به راحتی از عهده حل تحمل برآید.

همان گونه که اشاره شد، لازم نیست اقتصادی که تاب‌آور است، بتواند دقیقاً کارکردهای قبلی خود و به ویژه مشابه آنچه را قبلاً انجام می‌داده است، انجام دهد.^۱ ممکن است بر اثر تغییرات ایجاد شده، نظام کارکردهای جدیدی برای خود ایجاد نموده، از این رهگذر، کارآمدی بالاتری نیز کسب کند. آنچه مهم است اینکه اقتصاد تاب‌آور توان مدیریت تغییرات مثبت و منفی را دارد و می‌تواند از آنها در جهت اهداف خود بهره‌برداری کند. از این رو، می‌توان اقتصاد مقاومتی را به صورت راهبردی تعریف نمود که به دنبال کاهش آسیب‌پذیری و افزایش تاب‌آوری است. به عبارت دیگر، نتیجه اقتصاد مقاومتی یک نظام اقتصادی است که علاوه بر آسیب‌پذیری پایین - به ویژه آسیب‌پذیری ناشی از سیاست‌گذاری - قابلیت جذب، مدیریت و بهره‌برداری از شوک‌های مثبت و منفی ایجاد شده بر اثر تحولات را دارد.

۴. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

در چند سال اخیر، اصطلاح اقتصاد مقاومتی به ادبیات اقتصادی کشور اضافه شده است. این اصطلاح اولین بار از سوی مقام معظم رهبری در شهریور سال ۱۳۸۹ مطرح گردید. ایشان با تکیه بر دو دلیل فشار اقتصادی دشمنان و آمادگی کشور برای جهش، اقتصاد مقاومتی را به معنا و مفهوم کارآفرینی معرفی نمودند. سپس ایشان در مرداد سال ۱۳۹۱ مولفه‌ها و الزامات اقتصاد مقاومتی را بر اساس رونق تولید و اشتغال، رشد اقتصادی و رفاه، مصرف متعادل و پرهیز از اسراف و تبذیر، استفاده از تولیدات داخلی، مردمی کردن اقتصاد، کاهش وابستگی به نفت، فشار اقتصادی دشمن بر کشور، تأکید بر اقتصاد دانش بنیان، تبیین کردند. همچنین ایشان اقتصاد مقاومتی را داشتن اقتصادی رو به رشد با آسیب‌پذیری کمتر در مقابل ترندهای دشمن معنا و معرفی نموده، مواردی همچون حمایت از بخش خصوصی، حمایت از تولید ملی و بخش درون‌زای اقتصاد، رسیدگی به اقتصاد دانش

بنیان، فعال کردن واحدهای کوچک و متوسط اقتصادی، استفاده از همه ظرفیت‌های دولتی و مردمی را به عنوان ارکان اقتصاد مقاومتی معرفی کردند.

مقام معظم رهبری در آغاز سال ۱۳۹۲، هدف از مطرح کردن اقتصاد مقاومتی را استحکام بخشیدن به کشور و غیرقابل نفوذ ساختن آن در برابر دشمن، مقاوم در ساخت درونی خود، و متلاطم نشدن با تغییرات گوناگون در این گوشه و آن گوشه دنیا دانستند. همچنین انتخاب سیاست‌های اقتصاد مقاومتی به عنوان سیاست‌های اقتصاد را به عنوان یکی از الزامات اقتصاد مقاومتی مطرح نمودند. در شهریور سال ۱۳۹۲ نیز بر مقاوم بودن در مقابل بحران‌ها و جزر و مد‌های بین‌المللی به عنوان محور اقتصاد مقاومتی تأکید کردند. در ادامه روند مزبور، در اواخر بهمن سال ۱۳۹۲ نیز به صورت جامع و دقیق، سیاست‌های کلان بیست و چهار گانه اقتصاد مقاومتی را ابلاغ نمودند.

در جریان این تطور مفهومی، اظهار نظرهای گوناگونی در خصوص مفهوم اقتصاد مقاومتی در محافل علمی و دانشگاهی و همچنین نشست‌های علمی، اجتماعی و سیاسی صورت گرفت. حاصل این تحقیق آن است که اقتصاد مقاومتی یک راهبرد اقتصادی است که اولاً، به معنای مقاومت اقتصادی، اقتصاد بسته و درون‌گرا و اقتصاد ریاضتی نیست، و دوم، یک راهبرد مقطعی و کوتاه‌مدت نیست، بلکه راهبردی کلان و بلندمدت است که قرار است اقتصاد کشور بر آن تکیه کند. سوم، این راهبرد مقاوم سازی به معنی انفعالی و کوتاه‌مدت اقتصاد نیز نیست. این راهبرد زمانی مترادف مقاوم‌سازی اقتصادی است که مقاوم‌سازی اقتصادی از مفهوم انفعالی خود فراتر رفته و ابعاد دیگری شامل اصلاحات اقتصادی، جذب شوک‌های خارجی، استفاده از ظرفیت و توان داخلی کشور و تعاملات بین‌المللی و سایر مولفه‌های اقتصاد مقاومتی ابلاغی مقام معظم رهبری را نیز در برگیرد. به عنوان مثال کشوری که ظرفیت و توان داخلی خود را به کار گرفته و به صورت درون‌زا توسعه خود را تعریف نموده است و همواره در تعامل با دنیا و سایر کشورها، به دنبال استفاده از ظرفیت‌های آنهاست، مقاوم‌تر از کشوری است که بدون عنایت به ظرفیت‌های داخلی و تعاملات بین‌المللی، به فکر توسعه و مقاوم‌سازی است. پرداختن به مقاوم‌سازی اقتصادی صرفاً با رویکرد انفعالی با روح سیاست‌های اقتصاد مقاومتی منافات دارد، ولی اگر مقاوم‌سازی اقتصادی به صورت فعال در نظر گرفته شود می‌تواند تعبیر مناسب‌تری از اقتصاد مقاومتی باشد. با چنین تعبیری از اقتصاد مقاومتی، این مفهوم شامل دو جنبه کاهش آسیب‌پذیری و افزایش تاب‌آوری است.

با توجه به بررسی‌های به‌عمل آمده، مشکلات عمده اقتصاد مقاومتی کشور که باعث چالش‌های بیشتر بیکاری، نقص نظام بانکی، فساد اقتصادی، بدهی دولت، هدفمندی یارانه‌ها، صندوق‌های بازنشستگی، سرمایه‌گذاری خارجی، نظام ارزی، مسکن و محیط زیست گردیده عبارتند از:





- ۱- تحریم‌های خصمانه و خارجی ۲- وابستگی بیش از حد اقتصاد به نفت
- ۳- سیاست‌های پولی و مالی نامناسب بانکی ۴- فضای نامناسب کسب و کار با وجود یارانه ۵- اختلاف سلیقه و عدم تعامل در برنامه و عمل دستگاه‌های مربوط
بنابراین به منظور تقویت اقتصاد مقاومتی و دستیابی به سه هدف اصلی افزایش سطح اشتغال، تولید ملی و تعادل سطح عمومی قیمت‌ها در ایران ۵ راهبرد زیر باید دنبال شود:
- ۱- تقویت زیرساخت‌های اقتصادی؛ مشتمل بر جنبه‌هایی از قبیل محیط اقتصاد کلان، بازار کالا و خدمات، بازار مالی، بازار کار، پایداری‌پذیری و بهره‌وری و مانند آنها؛
- ۲- تقویت زیرساخت‌های زیست‌محیطی؛ مشتمل بر جنبه‌هایی همچون منابع طبیعی، شهرسازی و سامانه‌ی زیست‌بوم‌شناختی؛
- ۳- تقویت زیرساخت‌های حکمرانی؛ مشتمل بر نهادها، دولت، سیاست‌ها؛
- ۴- تقویت زیرساخت‌های اساسی؛ مشتمل بر زیرساخت‌های حساس به ویژه مخابرات، انرژی، حمل و نقل، آب و سلامت؛
- ۵- تقویت زیرساخت‌های اجتماعی؛ مشتمل بر سرمایه‌ی انسانی، سلامت، اجتماع و افراد.

منابع

- شقایق شهری، وحید و کریم، محمدحسین (۱۳۹۵)، اقتصاد مقاومتی، درونزایی اقتصاد ایران و فساد مالی، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، دوره ۴، صفحه ۶۳-۶۰.
- کریم، محمد حسین، صفدری نهاد، محمود و امجدی پور، مسعود (۱۳۹۳)، توسعه کشاورزی و اقتصاد مقاومتی، جایگزین نفت، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، دوره ۲ شماره ۶، ۱۰۳-۱۲۶.
- غیاثوند، ابوالفضل (۱۳۹۳)، درباره سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی: مروری بر ادبیات جهانی درباره تاب‌آوری ملی، دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس.
- Angeon, V., and Bates, S. (2015). "Reviewing Composite Vulnerability and Resilience Indexes: A Sustainable Approach and Application", *World Development*, 72, PP: 140-162.
- Agabi, C. E. Wilson J. P. (2005). "Trauma, PTSD, and Resilience: A Review of the Literature." *Trauma, Violence, & Abuse*, Vol 6(3), Pp 195-216.
- Bates, S. Angeon, V., & Ainouche, A. (2014). "The pentagon of vulnerability and resilience: A methodological proposal in development economics by using graph theory". *Economic Modelling*. 42. 445-453.
- Briguglio, L. Galea, W. (2003). "Updating and augmenting the economic vulnerability", *occasional reports on islands and small states*.
- Briguglio, L. (2004). "Economic Vulnerability and Resilience: Concepts and Measurements", In Briguglio, L. and Kisanga, E.J. (eds), *Vulnerability and Resilience of Small States*. Commonwealth Secretariat and the University of Malta, PP: 43-53.
- Briguglio, L., Cordina, G., Farrugia, N. and Vella, S. (2006). "Conceptualizing and Measuring Economic Resilience." In Briguglio, L., Cordina, G., and Kisanga E.J. (eds) *Building the Economic Resilience of Small States*, Malta: Islands and Small States Institute and London: Commonwealth Secretariat, P 265-287.
- Briguglio, L., Cordina, G., Farrugia, N. and Vella, S. (2008). "Economic Vulnerability and Resilience: Concepts and Measurements", Research Paper, No. 2008/55, UNU-WIDER.
- Boorman, J., Fajgenbaum, J., Ferhani, H., Bhaskaran, M., Arnold, D., & Kohli, H. A. (2013). "The centennial resilience index: Measuring countries resilience to shock". *Global Journal of Emerging Market Economies*. 5 (2). 57-98.
- Karim, M.H., and DaneshJafari, D. (2017). "Resistive economy: action and implementation", *India strategy of economic growth and development: experience and way forward*.
- Karim, M.H., DaneshJafari, D. and Hashemi, Z. (2016). "Resistive economy and rural-urban migration (Iran and Indian experience)", Theme: Overall Growth and Development.



Ollivaud, P. and Turner, D. (2015), “**The Effect of the Global Financial Crisis on OECD Potential Output**”, *OECD Journal: Economic Studies*, Vol. 2014/1.

Oxford Metrica. (2014). FM global resilience index.

Röhn, O, Sánchez, A.C, Hermansen, M and Rasmussen, M (2015). “**Economic Resilience: A New Set of Vulnerability Indicators for OECD Countries**”, *OECD Economics Department Working Papers*, No. 1249, OECD Publishing, Paris. <http://dx.doi.org/10.1787/5jrxhgjw54r8-en>.

Rose, A. and Krausmann, E. (2013). “**An Economic Framework for the Development of a Resilience Index for Business Recovery**”, *International Journal of Disaster Risk Reduction*, 5, PP: 73-83.

United Nations and Asian Development Bank. (2012). “**Green Growth, Resources and Resilience**”, *Environmental Sustainability in Asia and the Pacific*.







آسیب شناسی اقتصادی ملی از نگاه اقتصاد مقاومتی در حوزه بین الملل علی اکبر حافظیه، یونس کلی	۱
برآورد شاخص های اقتصاد مقاومتی مرتضی بیرانوند، علیرضا نصر اصفهانی، محمد آقارضا درمنی	۲۱
بررسی جهانی الگوی اقتصاد مقاومتی: مطالعه موردی کشور روسیه و ایران احسان رسولی نژاد	۴۵
الگوی سیاست گذاری گردشگری در راستاری تحقق اقتصاد مقاومتی یاسر رمضان نژاد	۶۳
راهبردها و چالش های اقتصاد مقاومتی و ریاضتی محمد حسین کریم، حسین امیری	۸۳
ارزیابی و انتخاب تأمین کننده و شرکای تجاری در راستای پیاده سازی اقتصاد مقاومتی با استفاده از روش تاپسیس فازی (مطالعه موردی شرکت ایران ارقام) رسول جمشیدی، سعید علی اکبر	۱۰۷
نقش قوای سه گانه در پیاده سازی سیاست اقتصاد مقاومتی با رویکرد مدیریت دولتی نوین حامد محمدی	۱۳۱
اولویت بندی شاخص های کیفیت تولیدات داخلی منطبق با اصول اقتصاد مقاومتی در صنعت پتروشیمی پیام شجاعی، محسن جاجرمی زاده، مسلم علی محمدلو، حسین مهرکی	۱۵۵
خلاصه مقالات منتخب اقتصاد مقاومتی کشورهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی	۱۷۹

1	The Evaluation of Vulnerability in National Economy from the Perspective of Economic Resiliency at International Scope <i>Ali Akbar Hafzie, Younes Goli</i>
21	Estimation of Economic Resiliency Indices <i>Morteza Beiranvand, Alireza Nasr Esfahani, Mohammad Agharazi Dermani</i>
45	Investigation on World Economic Resiliency Model: The Cases Study of Russia and Iran <i>Ehsan Rasoulnezhad</i>
63	Tourism Policy Making to Achieve Economic Resiliency Goals <i>Yaser Ramezannezhad</i>
83	Strategies and Challenges of Austerity and Resiliency Economy <i>Mohammad Hossein Karim, Hossein Amiri</i>
107	Assessment and Choice of Suppliers and Business Partners for Implement of Economic Resiliency Using Fuzzy Topsis Method <i>Rasoul Jamshidi, Saeed Ali Akbar</i>
131	Role of Three Branches Implementing Economic Resiliency Policy with New Public Administrative Approach <i>Hamed Mohammadi</i>
155	Prioritization the Domestic Production Quality Indices based on Economic Resiliency in the Petrochemical Industry <i>Payam Shojaei, Mohsen Jajarmizadeh, Moslem Ali Mohammadloo, Hossein Mehraki</i>
179	Abridgement of Selected Papers about Economic Resiliency in OECD Countries